



ویژه نامه هفتگی سبک زندگی
و خانواده روز نامه جوان

پنج‌شنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۴ - ۲۵ ربیع الاول ۱۴۴۷

تولید آثار علمی و پژوهشی به زبان فارسی موجب پویایی و ماندگاری آن می‌شود

■ نسترن آژینه، استاد زبان و ادبیات فارسی بر این باور است که برای حفظ زبان فارسی نیاز به برنامه‌ای کامل در حوزه نوشتن و انتشار کتاب و مقاله به فارسی است. وی معتقد است: تشویق پژوهشگران به تولید آثار علمی و پژوهشی به زبان مادری و مجهز کردن فناوری‌های نوین به فارسی می‌تواند زبان ما را زنده، پویا و پرتوان و در عین حال اصیل نگه دارد و جایگاه آن را در ایران و جهان حفظ کند. به گفته‌ی وی علاوه بر حوزه علمی و پژوهشی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین نیز باید به زبان فارسی مجهز شود. از نرم‌افزارها و پلتفرم‌های آموزشی گرفته تا هوش مصنوعی و ابزارهای دیجیتال. وقتی فناوری‌های روز دنیا به فارسی دسترس پذیر باشند، کاربران می‌توانند در فضای دیجیتال نیز به راحتی از زبان مادری استفاده کنند و زبان فارسی در زندگی روزمره، آموزش و پژوهش و حتی رسانه‌های دیجیتال به طور پایداری حفظ شود! صفحه ۹

پرونده ویژه «جوان» به مناسبت ۲۷ شهریور
روز شعر و ادب فارسی و بزرگداشت استاد شهریار

بی ادبی مجازی به ساحت ادب پارسی ممنوع!



مهدی سیف، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه:



معصومه امیرزاده



احمد نوری، نویسنده و ویراستار:



مهدی صالحی، کنشگر زبان فارسی:

احساس افتخار به زبان و ادبیات ملی
جلوی از خودیگانگی فرهنگی را
می‌گیرد

نویسنده و پژوهشگر حوزه زبان و ادبیات فارسی:
زبان مادری آغوشی است
که هویت ملی را با خود حمل می‌کند

ناهماهنگی سبک و زبان
در نوشته‌ها
چالشی برای هویت فارسی است

ایرادات زبان رایج در فضای مجازی
بازتاب کم‌کاری
در نظام آموزشی ماست

نگاه

زبان و ادبیات فارسی را در قلب و ذهن فرزندان مان زنده نگه داریم



در حالی که زبان مادری در خانه شکل می‌گیرد، کودک از رفتار و گفتار والدین الگو می‌گیرد. اگر پدر و مادر خود از کلمات بیگانه زیاد استفاده کنند یا کمتر شعر و داستان بخوانند، فرصت آشنایی فرزند با غنای زبان فارسی کاهش می‌یابد. راه‌حل، پیچیده و دشوار نیست. کارشناسان بر این باورند که کتاب خوانی خانوادگی، شعر، قصه و داستان‌های کهن دایره واژگان کودک را گسترش می‌دهد. گفت‌وگوی روزانه، صحبت کردن طولانی و داستان‌خواندن کوتاه، زبان را زنده و شیرین نگه می‌دارد. الگوی والدین، احترام به زبان فارسی در گفتار پدر و مادر، بزرگ‌ترین آموزگار کودک است. بنابراین، خانه، نخستین و مهم‌ترین نهاد پاسداشت زبان مادری است. هر جمله، هر داستان و هر بیت شعری که در جمع خانواده خوانده می‌شود، پلی میان نسل‌ها و حافظ هویت فرهنگی ماست. اگر والدین این نقش را جدی بگیرند، زبان فارسی نه تنها در کتاب‌ها و کلاس‌های درس، بلکه در قلب و ذهن فرزندان‌شان زنده می‌ماند.

همراه، تبلت و شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند. ارتباط زنده و صمیمانه‌ای که زبان فارسی را به طور طبیعی به نسل بعد منتقل می‌کند، حالا کم‌رنگ‌تر شده است. از سوی دیگر، واژه‌های بیگانه بی‌محابا به گفت‌وگوی روزمره ما راه یافته است. ماجرا برای من زمانی پررنگ شد که در تله‌کابین نمک‌آبرود، عکاسی برای گرفتن عکس یادگاری حین بازی از پسرم خواست «یک لایک بفرستد.» همان لحظه گفتیم: «پسر، یعنی یک نشان پسند با دست نشان بده.» این دسته جملات از زبان بیگانه را زیاد می‌شنویم. مثل «می‌خواهی توی این بازی join بشی؟»، «این فیلم خیلی cool است!» یا «برای این کار وقت زیادی needed است» جملاتی که دارد کم‌کم ما را از زبان مادری و هویت خودش دور می‌کند. اما امروز چه؟ دنیای مدرن و سبک زندگی پرمشغله، شب‌ها دور هم جمع می‌شدیم، قصه می‌خواندیم و خاطره تعریف می‌کردیم. هر گفت‌وگو فرصتی برای تمرین زبان فارسی بود. امروز بسیاری از مکالمات به پیامک و شبکه‌های اجتماعی خلاصه می‌شود، رسانه‌هایی که نمی‌توانند جای گفت‌وگوی زنده و روزمره و دغدغه‌های اقتصادی فرصت گفت‌وگوهای طولانی ندارند و کودکان ساعت‌های زیادی را با تلفن

یادم می‌آید در گذشته بسیاری از پدر و مادرها سواد بالایی نداشتند، اما گنجینه‌ای از شعر و ضرب‌المثل در ذهن‌شان بود. هر گاه خطایی می‌کردیم پیش از هر توضیح و تذکری پدر و مادر یا دو بیت شعر یا یک حکایت کوتاه راه درست را نشان می‌داد. پدرم وقتی می‌خواست مرا از انتخاب نادرست بازدارد تنها این صراحت می‌خواند: «این ره که تو می‌روی به تر کستان است...» همین یک جمله، بی‌داد و قال و نصیحت‌های طولانی کافی بود تا به اشتباهم پی ببرم و همزمان دل به شعر و زبان مادری بسپارم. مادرها هم استاد روایت بودند. با قصه‌هایی از زندگی خود یا داستان‌های کهن، ادب و اخلاق را به ما می‌آموختند. با شنیدن این قصه‌ها و مصرع‌ها، بی‌آنکه متوجه شویم واژه‌های تازه یاد می‌گرفتیم، ساختار درست جمله‌ها را می‌آموختیم و با قافیه و ضرب‌المثل انس می‌گرفتیم. اما امروز چه؟ دنیای مدرن و سبک زندگی پرمشغله، خانواده‌ها را درگیر کرده است. والدین زیر بار کارهای روزمره و دغدغه‌های اقتصادی فرصت گفت‌وگوهای طولانی ندارند و کودکان ساعت‌های زیادی را با تلفن

محبوبه قربانی



«تمک نمداره»، «عزیز کرده خدا»، «آفتاب مهتاب ندیده»، «سر سفره پدر مادر بزرگ شده»، «خیر ببینی»، «عاقبت بخیر بشی»، «از تو حرکت از خدا برکت»، «چشم حسودات پتر که»، «زندگیت به قاعده باشه»، «خدا یکی یار یکی»، «سپردمت دست خدا» و... .

این واژه‌ها تنها برای بیان مفاهیم نبودند؛ با آنها سبک زندگی منتقل می‌شد. در هر جمله‌ای نوعی حکمت، تربیت و احترام جریان داشت. امروز نیز ما فارسی سخنی می‌گوییم، اما نه با همان آهنگ و لحن دلنشین، گویش ما پرشتاب، سطحی و

مادر بزرگ من زنی باسواد و مدرسه رفته نبود، البته سواد قرآنی داشت و تا لحظه آسمانی شدنش هم زیر لب برخی آیات را آنقدر خوانده بود که به قول خودش از بر بود و آن را زمزمه می‌کرد. انگار تمام فرهنگ شفاهی چند نسل را در سینه داشت. واژه‌هایی که بر زبان می‌آورد، سرشار از مهر، احترام، تربیت و لطافت بود. در نگاه نخست، جملاتش ساده به نظر می‌رسید، اما عمقی شگرف در دل آنها نهفته بود؛ هر واژه‌اش گویی می‌گفت: «هرون اون دل نازینت برم مادر، خدا نخواست حتی خار به پات بره» یا زمانی که اندوهگین بودم،